

زیان بانک‌های مرکزی و تجربه کشورهای منتخب^۱

افشین برمکی،* محمد سالاریان**

چکیده

در شرایط عادی، بانک‌های مرکزی باید قادر به کسب سود، عمدتاً از طریق درآمدهای حاصل از حق انحصاری نشر اسکناس و مسکوک باشند؛ اما برخی از بانک‌های مرکزی در عملیات جاری خود دچار زیان می‌شوند که در بیشتر موارد ناشی از طیفی از فعالیت‌ها، شامل عملیات پولی در شرایط غیرعادی و بازسازی بخش مالی است. این مقاله اثر زیان عملیاتی بانک‌های مرکزی را بررسی نموده و اصول و تجربیاتی برای کنترل زیان بانک‌های مرکزی ارائه می‌دهد. همچنین، پیشنهاد شده است که این زیان باید به عنوان کاهش خالص ارزش بانک مرکزی نشان داده شود؛ مگر آنکه زیان مورد نظر توسط دولت مورد پوشش قرار گرفته باشد. دولت‌ها می‌توانند این زیان را از طریق افزایش سرمایه بانک مرکزی پوشش دهند که در این صورت دارایی جدیدی به صورت اوراق قرضه دولتی ایجاد و نزد بانک مرکزی نگهداری خواهد شد. شش مطالعه موردی در این گزارش مطرح شده است که در آنها زیان در حساب‌های عملیاتی بانک مرکزی ایجاد شده است. تجارب مربوط به چگونگی پوشش این زیان‌ها و شفافیت و افشاسازی حساب‌های بانک مرکزی در این زمینه در مقاله مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: ترازنامه بانک مرکزی، زیان بانک‌های مرکزی.

طبقه‌بندی JEL: E58, F34, G15

۱. ترجمه‌ای است از:

Dalton, John & Claudia Dziobek. (2005). Central Bank Losses and Experiences in Selected Countries. Monetary and Financial Systems Department and Statistics Department. IMF Working Paper. WP/05/72. April.

*کارشناس ارشد اقتصاد، کارشناس امور برنامه‌ریزی اقتصاد کلان و ارزیابی برنامه، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور

m.salarian@cbi.ir

**کارشناس ارشد اقتصاد، محقق اداره حسابهای اقتصادی بانک مرکزی ج.ا.ا.

۱. مقدمه

در شرایط معمول، بانک مرکزی باید قادر به کسب سود، عمدتاً از طریق درآمدهای حاصل از حق انحصاری نشر اسکناس و مسکوک باشد. زیان در حساب‌های عملیاتی برخی از بانک‌های مرکزی ناشی از طیفی از فعالیت‌هاست که شامل عملیات بازار باز، عقیق سازی^۱ جریان ورودی پول خارجی، سرمایه‌گذاری‌های داخلی و خارجی، اعتبارات و تضامین، هزینه‌های مربوط به بازسازی بخش مالی، یارانه‌های مستقیم و یا ضمنی بهره‌ای^۲ و فعالیت‌های فرعی با ماهیت مالی و یا شبه مالی^۳ است.

کوتاهی در جلوگیری از انباشت زیان مداوم در حساب‌های بانک مرکزی و ظهور ارزش خالص منفی در مراحل بعد، مدیریت پولی را تضعیف کرده و می‌تواند استقلال و اعتبار بانک مرکزی را به مخاطره بیندازد. ایجاد شفافیت و اجرای استانداردهای معمول حسابداری در این زمینه مستلزم ثبت خالص زیان بانک مرکزی در حساب‌های درآمدی، بدهی در مقابل سرمایه و انعکاس هر گونه خالص ارزش منفی در قسمت حقوق صاحبان سهام ترازنامه است. خالص زیان‌ها نباید در بخش دارایی‌های ترازنامه بانک‌های مرکزی منعکس شود، مگر آن‌که این زیان به‌طور رسمی توسط دولت پوشش داده شده باشد.

در مواردی که زیان بانک‌های مرکزی به افزایش خالص ارزش منفی منجر شود، توصیه عملی صندوق بین‌المللی پول برای دولت، افزایش سرمایه بانک مرکزی از طریق تزریق پول نقد یا تأمین اوراق قرضه دولتی در قالب تخصیص بودجه‌ای شفاف است.

در بخش بعدی، برخی از اصول و اقدامات کلی برای مدیریت زیان بانک‌های مرکزی ارائه شده است. در بخش‌های بعدی گزارش، جزئیات بیشتری در خصوص شرایط خاص سال‌های اخیر و عوامل دیگری که سود و زیان بانک‌های مرکزی را متأثر می‌کند و روش‌ها و اصول حسابداری برای ثبت زیان و اقدامات قانونی برای پوشش زیان بانک‌های مرکزی ارائه شده و مورد بحث قرار گرفته است.

1. Sterilization

2. Direct or Implicit Interest Subsidies

3. Non-Core Activities of a Fiscal or Quasi-Fiscal Nature

۲. آثار و عواقب زیان عملیاتی در سیاست‌گذاری و شفافیت بانک‌های مرکزی

زیان در حساب بانک‌های مرکزی می‌تواند به دو طریق ایجاد شود:

- زمانی که هزینه‌های عملیاتی بانک مرکزی بیش از درآمدهای عملیاتی آن باشد و این موضوع به خالص زیان عملیاتی منجر شود؛

- زمانی که اثر خالص تجدید ارزیابی دارایی‌ها و بدهی‌های بانک مرکزی و هرگونه زیان سرمایه‌ای بانک از درآمد عملیاتی بانک تجاوز نماید.

خالص زیان در حساب عملیاتی بانک‌های مرکزی اساساً موجب ایجاد نقدینگی می‌شود، زیرا در چنین وضعیتی بانک مرکزی بیش از آنچه که درآمد عملیاتی توسط بانک مرکزی کسب شده باشد، هزینه عملیاتی به صورت پرداخت نقدی به بانک متحمل شده است. بر این اساس، زمانی که بانک‌های مرکزی با چنین زبانی مواجه می‌شوند به‌ویژه هنگامی که این زیان قابل توجه و مستمر است، سیاست بانک‌های مرکزی می‌تواند تحت تأثیر قرار گیرد و انباشت این زیان‌ها می‌تواند اثربخشی سیاست‌های پولی و ارزی را تضعیف نماید.

خالص زیان ناشی از تجدید ارزیابی‌های قابل توجه می‌تواند در حساب‌ها شناسایی شود، اما از آنجا که زیان واقعی ناشی از تجدید ارزیابی ارقام مورد پوشش تا زمان معامله ارقام محقق نمی‌شود، این تجدید ارزیابی اثر نقدینگی مشابهی مانند زیان‌های عملیاتی به همراه نخواهد داشت. با این وجود، این اثر خالص باید هر چه سریع‌تر در حساب‌ها شناسایی شود. این روش، مشابه ثبت زیان ناشی از کاهش ارزش^۱ دارایی‌ها در حساب درآمد بانک بوده و نتیجه عملیاتی آن در حساب‌های بانک یکسان است. هرگاه زیان‌های شناسایی شده، محقق شوند، مقادیر آن باید در زمان تحقق زیان از محل درآمد مورد نظر تأمین شود تا سطح مطلوب خالص ارزش بار دیگر به دست آید. این عمل باید بر تمامی تصمیمات مربوط به توزیع سود میان سهامداران، مقدم باشد. نادیده انگاشتن اثر خالص زیان ناشی از تجدید ارزیابی به این امید که به خاطر نقش رهبری بانک مرکزی در بخش مالی این زیان قابل جبران است، نباید گزینه‌ای برای بانک مرکزی به عنوان مجری اصلی اقدامات سیاستی باشد.

برای حفظ شفافیت و در راستای اجرای استانداردهای حسابداری، خالص زیان محقق شده بانک مرکزی باید در حساب درآمد ثبت شود و یا از اقلام مربوطه در حساب سرمایه و ذخایر کسر شود و از این طریق خالص ارزش بانک مرکزی کاهش یابد. در موقعیت بحران مالی ناگهانی و شدید، مانند زمانی که زیان تجدید ارزیابی بانک مرکزی با رقم قابل توجهی محقق شود یا در شرایط کاهش ارزش مداوم سال‌های متمادی، زیان انباشتی می‌تواند به خالص ارزش منفی برای بانک مرکزی منجر شود. خالص ارزش منفی بانک مرکزی نشان از بحرانی مداوم است که اثر انباشتی آن سرمایه بانک را کاملاً و یک‌جا کاهش داده و باید با اقدامی اصلاحی برای درمان آن همراه شود.

از منظر استانداردهای حسابداری و به‌رغم رویه متعارف حسابداری در برخی بانک‌های مرکزی، خالص زیان محقق شده بانک مرکزی نباید به عنوان دارایی معوق یا تأمین مالی نشده^۱ در ترازنامه بانک مرکزی نشان داده شود. دلیل این امر آن است که چنین ثبتی، واقعیت اقتصادی نهفته در خصوص بازار دارایی بانک مرکزی را منعکس نکرده و معیار شناسایی و تشخیص دارایی تعریف شده در استانداردهای حسابداری را احراز نمی‌کند. در خصوص مورد اخیر، استانداردهای حسابداری حکم می‌کند که در شناسایی دارایی در ترازنامه بانک مرکزی می‌باید پس از پوشش زیان تجدید ارزیابی و تعیین تکلیف ارزش ویژه منفی، انجام شود.

اثر زیان تجدید ارزیابی بر عملیات بانک مرکزی و نیاز به پوشش کامل آن هم اکنون در قوانین بسیاری از کشورها از طریق الزام تأمین آن توسط دولت، لحاظ شده و در مورد زیان‌های عمده این الزام تأکید شده است. معمولاً این حمایت بودجه‌ای توسط دولت به صورت پرداخت نقدی یا تأدیه اوراق قرضه برای افزایش سرمایه بانک مرکزی شده است.

در شرایطی که دولت قادر به تخصیص کامل بودجه مورد نیاز برای تأمین مالی این افزایش سرمایه نباشد، بانک مرکزی باید برای افشای خالص ارزش منفی خود به عموم، به همراه اقداماتی که می‌تواند در طول زمان خالص ارزش را احیا و اصلاح نماید، مهیا باشد. این افشاسازی، چشم‌انداز شفافیتی از شرایط مالی واقعی بانک مرکزی (شامل خالص ارزش منفی) ارائه می‌دهد. این اقدام از ایجاد این

ذهنیت که مدیریت بانک مرکزی تمایل ندارد و یا قادر به رو به رو شدن با مشکلات ناشی از افزایش زیان‌ها نیست، جلوگیری به عمل می‌آورد. سرانجام این امر به بخش مالی و جامعه این پیام و هشدار را می‌دهد که بانک مرکزی باید رویکرد سختگیرانه و محتاطانه‌تری برای حفظ و تعمیق اعتبار خود یا جذب حمایت‌های مالی دولت اتخاذ نماید.

۳. عوامل مؤثر بر سود و زیان بانک مرکزی

۳-۱. علل زیان بانک مرکزی

زیان گزارش شده در حساب بانک‌های مرکزی در کشورهای آفریقایی، اروپایی، آمریکای لاتین و آسیا و اقیانوسیه در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ نشان‌دهنده عوامل متعددی از جمله زیان عملیاتی، زیان ارزش‌گذاری^۱ و زیان ناشی از یارانه‌هاست. در بسیاری از موارد، زیان منعکس شده در حساب بانک‌های مرکزی مربوط به فعالیت‌هایی بوده که غالباً فراتر از وظایف مرسوم بانک‌های مرکزی قرار داشته است. دلایل بسیار متعددی در خصوص علل ورود بانک‌های مرکزی به حوزه‌های نامربوط وجود دارد که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره داشت: انتقال بدهی‌های ارزی دولت یا بخش خصوصی به بانک مرکزی با نرخ ارز بالاتر، انتقال و تملیک دارایی‌های غیرجاری ناشی از بانکداری توسعه‌ای یا فعالیت‌های بانکداری مؤسسات مالی ضعیف،^۲ کاهش ارزش پول ملی در شرایطی که بدهی‌های خارجی سیستم بانکی بیش از دارایی‌های خارجی آن است، زیان‌های ناشی از نوسان ارزش اوراق قرضه داخلی یا پول‌های خارجی در سبد دارایی بانک، قیمت‌گذاری نادرست بدهی‌های احتمالی (زیر خط)^۳ مانند ضمانت‌های ارز خارجی، یارانه‌های نرخ بهره بر وام‌های ترجیحی بخش‌ها، مؤسسات و یا اشخاص اولویت‌دار، یارانه به صادرکنندگان، پذیرش ریسک نرخ ارز در تسهیلات اعطایی به پشتوانه صندوق‌های ارزی، مبادلات ارزهای خارجی با نرخ یارانه‌ای غیربازاری،^۴ هزینه‌های عملیاتی مربوط به عملیات بازار باز و هزینه‌های اجرایی و انتقالات کنترل‌نشده بانک مرکزی.

-
1. Operating & Valuation Losses
 2. Troubled Financial Institutions
 3. Contingent Liabilities
 4. Subsidized Non-Market Rates

در بسیاری از موارد، زیان‌های انباشته ناشی از عملیات یادشده پیش از آنکه در حساب‌های بانک مرکزی بدان ترتیب اثر داده شود، تبدیل به مبلغ قابل توجهی شده و نسبت بزرگی از تولید ناخالص داخلی را به خود اختصاص می‌دهد. در صورت عدم فیصله و تعیین تکلیف این زیان‌های انباشت شده، مخاطرات مربوط به تضعیف قدرت بانک مرکزی برای پیگیری سیاست پولی مستقل و ایفای مسئولیت در تثبیت ارزش پول ملی کشور و سطح قیمت داخلی، می‌تواند تشدید شود.

برخی از آموزه‌های مهم این تجربیات را می‌توان به شرح زیر خلاصه کرد:

- بایستی از محول نمودن وظایفی بیش از مسئولیت‌های سیاست پولی و ارزی به بانک مرکزی، اجتناب شود؛
- دولت باید مسئولیت زیان بانک مرکزی از عملیات شبه مالی^۱ را بر عهده گیرد؛
- زیان‌های انباشته در حساب‌های بانک مرکزی باید حل و فصل شوند؛
- باید اقدامات جدی برای رفع و یا محدود نمودن زیان آتی بالقوه از حساب‌های بانک مرکزی به عمل آید.

دو مورد آخر نیازمند اقداماتی در جهت رفع عوامل و دلایل زیان و همچنین افزایش سرمایه بانک مرکزی است که باید از طریق تبدیل این مطالبات به ابزار بدهی دولت با بازدهی مناسب و انعکاس در دارایی‌ها و پورتفوی بانک مرکزی رسمیت پیدا کند.

۳-۲. برخی از عوامل خاص ایجاد زیان

برخی از عوامل و دلایل زیان در حساب‌های بانک مرکزی که اتفاقاً با حوزه کاری صندوق بین‌المللی پول نیز ارتباط مستقیم پیدا می‌کند، بدین شرح است: ذخیره‌گیری و تأمین منابع برای زیان ناشی از وام‌ها و هزینه تجدید ساختار بانک‌ها، اثر کاهش نرخ ارز بر تعهدات کشور به صندوق بین‌المللی پول و کاهش سود خالص عملیاتی بانک مرکزی از بابت برخی زیان‌های خاص.

• تأمین منابع برای زیان وام‌ها و هزینه تجدید ساختار نظام بانکی

بانک‌های مرکزی در بسیاری از کشورها، تأمین مالی و اعتباراتی را تقبل و تأمین نموده‌اند که فراتر از گستره معمول اعطای تسهیلات کوتاه‌مدت، وثیقه‌دار و همیشگی بانک‌های مرکزی با عنوان تسهیلات جاری کوتاه‌مدت^۱ است. این تسهیلات، که در بیشتر موارد از آن به عنوان تسهیلات مدت‌دار^۲ یاد می‌شود، می‌تواند شامل تأمین مالی بانک مرکزی در ارتباط با ارائه حمایت مالی در دوره بحران، برنامه‌های ضمنی یا صریح تضمین سپرده‌های بانکی یا ترتیبات تجدید ساختار نظام بانکی باشد. این تسهیلات مدت‌دار همچنین می‌تواند شامل ارائه تسهیلات و تأمین مالی مؤسساتی غیر از گروه مؤسسات مالی و اعتباری باشد که معمولاً به عنوان دریافت‌کننده تسهیلات اعتباری بانک مرکزی در نظر گرفته می‌شوند. برای مثال، تسهیلات و اعتبارات مدت‌دار یادشده می‌تواند عملیات تجاری یا اعتباری به بنگاه‌های خصوصی یا عمومی را در برگیرد، یا شامل مواردی باشد که بانک مرکزی تضامینی برای پشتیبانی از استقراض مؤسسات دیگر ارائه نموده است.

ترتیبات اعتباری مدت‌دار بانک‌های مرکزی، ریسک‌های تجاری بیش از آنچه را که به‌نوعی در سبد دارایی بانک مرکزی یافت می‌شود، بر بانک‌های مرکزی تحمیل می‌کند، از جمله ریسک نکول یا عدم کفایت وثیقه.^۳ در مواردی که بانک‌های مرکزی به چنین اموری اشتغال دارند، این بانک‌ها باید به‌دقت میزان مطالبات از بدهکارانی را که امکان نکول آنان وجود دارد و میزان انباشت این‌گونه مطالبات را ارزیابی نمایند و برای پوشش زیان‌های احتمالی این مطالبات همانند سازمان‌ها و بانک‌های دیگر تجاری ذخیره عملیاتی در نظر بگیرند.

هزینه‌های مربوط به بازسازی و تجدید ساختار بانک‌ها می‌تواند به روش‌های مختلفی منتج به زیان بانک مرکزی شود: از ضرورت پاکسازی وام‌های ارائه‌شده به بانک‌های ضعیف و در مرحله انحلال و تسویه، کاهش و زیان بهره زمانی که وام‌های ارائه‌شده به بانک‌های ضعیف فقط به میزان اصل وام به

1. Standing Facilities

2. Extended Facilities

3. Default or Inadequacy of Collateral

سازمان دیگری (کسر بهره معوقه)^۱ منتقل شده باشد، تملیک دارایی‌های با بازدهی پایین^۲ شامل انتقال مالکیت بانک‌های ورشکسته به بانک مرکزی و پذیرش اوراق قرضه دولتی کم بهره بلندمدت^۳ توسط بانک مرکزی، تا هرگونه هزینه‌های عملیاتی اضافی توسط بانک مرکزی در اجرا یا مدیریت برنامه بازسازی و تجدید ساختار بانک‌ها از جمله این موارد است. نقدشدن وثایق ارائه‌شده به بانک‌های ضعیف نیز اثرات مشابهی بر ترازنامه بانک مرکزی خواهد داشت.

تعدیل زیان ناشی از کاهش ارزش پول ملی در مطالبات صندوق بین‌المللی پول

طبق مواد توافقنامه صندوق بین‌المللی پول، اعضای صندوق متعهدند که ارزش دارایی‌های صندوق از پول ملی اعضا را بر حسب SDR و قدرت خرید حق برداشت مخصوص صندوق حفظ نمایند. چنین دارایی‌هایی شامل وجوه نگهداری شده در حساب‌های شماره ۱ و ۲ صندوق بین‌المللی پول نزد بانک مرکزی هر یک از اعضا و مقدار اوراق قرضه ارائه‌شده به صندوق توسط بانک مرکزی یا سازمان مالی دیگر اعضای صندوق است.

اوراق قرضه کشوری معمولاً شکل غالب ابزارهای اصلی مالی است که هر یک از اعضا، پول داخلی خود را در آن قالب به صندوق بین‌المللی پول ارائه می‌کنند و از این طریق به ارز تحت تسهیلات صندوق بین‌المللی پول دسترسی پیدا می‌کنند. در شرایطی که اوراق قرضه ارائه‌شده به صندوق بخشی از ترازنامه بانک مرکزی را تشکیل می‌دهد، تعدیل ارزش سالانه پول داخلی مربوط به اوراق مزبور، اساساً بخشی از ارزش‌گذاری مجدد تمامی نرخ‌های ارز خواهد بود. در شرایطی که بانک مرکزی به میزان متعادل و برابری، دارایی و بدهی ارزی در ترازنامه خود داشته باشد آن‌گاه انتظار می‌رود که منافع و زیان‌های حاصل از تجدید ارزیابی دارایی‌ها و بدهی‌های بانک مرکزی موازنه شوند. اما زمانی که بخش قابل توجهی از دارایی‌های خارجی بانک مرکزی به دلیل مصرف توسط دولت، کاهش یافته باشد، آنگاه ارزش‌گذاری مجدد می‌تواند تعدیلات ارزش منفی زیادی را در زمان کاهش ارزش پول ملی به بانک مرکزی تحمیل کند.

1. Accrued Interest
2. Low-Income-Earning Assets
3. Longterm Low Coupon Government Bonds

در صورت تحقق تعدیلات ارزشی در حساب‌ها و دارایی‌ها و بدهی‌های خارجی بانک مرکزی، معمولاً این بانک سالی یک‌بار از طریق انتشار اوراق قرضه بیشتر یا ارائه سفته به صندوق بین‌المللی پول این تجدید ارزیابی را جبران خواهد نمود. این امر نیازمند انجام عملیات ثبت حسابداری در دفاتر سازمان مسئول مالی (معمولاً بانک مرکزی یا وزارت دارایی، بسته به مسئولیت نهادی در هر کشور برای چنین پرداخت‌هایی) برای انعکاس و جبران زیان ناشی از تجدید ارزیابی است. در شرایطی که این مسئولیت بر عهده بانک مرکزی باشد، نشان دادن اثرات تعدیل ارزش پول ملی به طور مناسب در صورت‌های مالی بانک مرکزی و توضیح شفاف آن در یادداشت‌های صورت‌های مالی این بانک، مهم، لازم و ضروری است.

حذف تعدیل ناشی از تجدید ارزیابی در محاسبه سود خالص

در برخی کشورها، بر اساس الزامات قانونی، ارزش‌گذاری مجدد دارایی‌ها و بدهی‌های بانک مرکزی و در مواردی بهره پرداختی این بانک به سپرده‌های بانک‌های تجاری نزد بانک مرکزی در حساب سود و زیان بانک مرکزی توصیه و لحاظ نشده است. در نتیجه، سود خالصی که در حساب سود و زیان بانک منعکس می‌شود، دچار بالاگویی است و تراز بدهی‌های بانک مرکزی نشان‌دهنده زیان و هزینه‌های بهره انباشتی است و دارایی‌های بانک مرکزی در ترازنامه این بانک به همین میزان بالاتر ارزیابی شده است. این رویکرد در محاسبه سود خالص که میزان سود را بالاتر از حد واقعی نشان می‌دهد و سود محاسباتی برای توزیع را بالا ارزیابی می‌کند، اساساً برای بانک‌های مرکزی قابل توصیه نیست.

۴. موارد خاص زیان در حساب‌های بانک مرکزی

جدول ۱، مرور کلی از تجارب زیان بانک‌های مرکزی برخی از کشورها در دهه ۱۹۹۰ را ارائه می‌دهد. در این قسمت برخی ویژگی‌های خاص هر کشور شامل عوامل اصلی ایجادکننده زیان، چگونگی پوشش و جبران زیان‌ها و نحوه انعکاس این زیان‌ها در صورت‌های مالی بانک‌های مرکزی اشاره شده است.

جدول ۱. تجارب زیان برخی بانک‌های مرکزی در دهه ۱۹۹۰

کشور	سال زیان	زیان (میلیون پول ملی)	زیان (بر حسب درصدی از ارزش خالص سال پیشین بانک مرکزی)	زیان (بر حسب درصدی از مخارج دولت مرکزی)	نهاد پوشش‌دهنده زیان
برزیل	۱۹۹۷	۱۸۷۵ (رآل)	۵۲	۱/۵	دولت
شیلی	۱۹۹۷	۷۵۶۵۶۰ (پزو)	۵۷۰	۱۱/۳	بانک مرکزی
جمهوری چک	۱۹۹۶	۸۶۵۳ (کرونا)	۳۲	۱/۸	بانک مرکزی
مجارستان	۱۹۹۶	۵۱۶۰۰ (فورینت)	۱۰۸	۱/۸	دولت
کره جنوبی	۱۹۹۴	۷۳۳۳۱ (ون)	۷	۰/۱	بانک مرکزی
تایلند	۱۹۹۷	۶۷۶۱۳ (بات)	۱۴۷	۷/۷	بانک مرکزی

Sources: Central Bank Annual Reports and Internet sites; IMF, International Financial Statistics, various issues.

• برزیل

زیان‌های بانک مرکزی برزیل (BCB)^۱ برای سال منتهی به ۳۱ دسامبر ۱۹۹۷، عمدتاً منعکس‌کننده اثر تفاوت بهره بین هزینه بهره بالای بدهی‌های داخلی (شامل اوراق قرضه منتشرشده توسط بانک مرکزی برای اهداف سیاست پولی) و بازدهی نسبتاً پایین دارایی‌های خارجی است.

این زیان‌های محقق‌شده، متعاقباً در ترازنامه بانک با عنوان "نتیجه برای جبران شدن"^۲ نشان داده شده است، به امید آنکه در آینده از طریق نتایج مثبت عملیات سال‌های مالی آتی جبران شود. تراز این حساب (یعنی زیان انباشته) در پایان ماه دسامبر سال ۱۹۹۷، ۹/۶ میلیارد رآل برزیل بوده است. هر چند این زیان انباشته به عنوان مطالبه از دولت تبدیل به اوراق قرضه نشده است، اما تراز حساب جبران،^۳ مشمول بهره پرداختی توسط دولت بر اساس نرخ بازار بین بانکی کوتاه‌مدت (شبانه) بوده است. از ژانویه سال ۱۹۹۷ بهره زیان انباشته حساب یادشده که توسط دولت پرداخت‌شده، در

1. Banco Central Do Brazil
2. Result to Be Offset
3. The Offset Account

حساب جداگانه‌ای با عنوان ذخیره جبران زیان‌های انباشته نگهداری شد و بخش قابل توجهی از زیان را جبران کرده است.^۱

• شیلی

زیان‌های ثبت‌شده در حساب‌های بانک مرکزی شیلی (BCC)^۲ در سال ۱۹۹۷ همچون برزیل، بیانگر اختلاف بین نرخ‌های بهره داخلی (هزینه بهره پرداختی روی اوراق صادره) و نرخ‌های پایین دارایی‌های خارجی و نیز نرخ‌های بالای استفاده‌شده در اوراق بانک مرکزی برای عقیق‌سازی جریان‌های ورودی سرمایه و اثر مستمر کاهش درآمدهای ناشی از درگیری بانک مرکزی شیلی در برنامه افزایش سرمایه نظام بانکداری در اواخر دهه ۱۹۸۰ است. در مورد فعالیت‌های عقیق‌سازی، زیان‌های به وجود آمده در حساب‌ها به این دلیل بوده است که دریافتی‌های بانک مرکزی از محل سود دارایی‌های ارز خارجی به‌شدت کمتر از هزینه انتشار اوراق قرضه‌ای بوده که به منظور جذب اثر نقدینگی جریان‌های ورودی ارزی خارجی انتشار یافته است. در تجربه افزایش سرمایه، بانک مرکزی شیلی از طریق تقبل بدهی‌های غیرممتاز^۳ بانک‌ها به میزان ارزش اسمی وام‌های غیرجاری بانک‌ها، پول نقد به بانک‌های تجاری تزریق نموده است. همچنین در جهت آماده‌سازی بانک‌ها برای خصوصی‌سازی، بانک مرکزی شیلی از طریق معاوضه سهام^۴ بانک‌های مورد نظر برای خصوصی‌سازی یا تزریق وجوه به این بانک‌ها، زیان‌های قابل توجهی را متحمل شده است.

سطح پایین بهره‌های دریافتی‌های ناشی از بدهی‌های غیرممتاز انتقالی از ترازنامه بانک‌ها و نگهداری سهام، در پورتفوی بانک مرکزی، بر توانایی درآمد عملیاتی بانک مرکزی شیلی برای پوشش هزینه‌های عقیق‌سازی اثر گذاشته و از سال ۱۹۹۲ بانک مرکزی شیلی، خالص زیان فزاینده‌ای را ثبت

۱. زیان محقق‌شده و نحوه پوشش آن در پیوست گزارش سالانه بانک مرکزی برزیل نشان داده شده است و جزئیات مربوط به آن بر روی وبسایت اینترنتی این بانک نیز در دسترس است.

2. The Banco Central De Chile

3. Subordinated Debt

4. Equity Swap

نموده است. افزون بر این، بانک مرکزی شیلی زبان‌های تحقق نیافته‌ای^۱ را در اثر تغییر ارزش بازار دارایی‌های سهام خود در بانک‌های تجاری انباشته نموده است.

بانک مرکزی شیلی خالص زیان‌ها را در مقابل سهام خود ثبت نموده است. در سال ۱۹۹۷ انباشت زیان‌های حاصل از عملیات یادشده به منفی شدن خالص ارزش بانک مرکزی شیلی منجر شد که در گزارش سالانه این بانک در سال ۱۹۹۷ ثبت شد و انتشار یافت.

• جمهوری چک

زیان‌های بانک ملی چک (CNB)^۲ برای سال منتهی به ۳۱ دسامبر ۱۹۹۶، زیان‌های مبادلات مالی مربوط به بخشی از عملیات پولی بوده که این بانک برای عقیم‌سازی اثرات جریان‌های ورودی سرمایه خارجی، در دوره‌ای که نظام نرخ ارز ثابت در جمهوری چک عمل می‌کرد، به عهده داشته است (نظام نرخ ارز ثابت در سال ۱۹۹۷ با نظام شناور ارز به عنوان بخشی از مجموعه اقدامات اتخاذشده توسط دولت چک برای تسریع اصلاحات اقتصادی، جایگزین شد).

این زیان عملیاتی به‌عنوان رقم منفی در مقابل سرمایه و ذخایر بانک ملی چک در حساب‌ها منظور شده بود؛ اما این شیوه ثبت زیان به خالص ارزش منفی در حساب سرمایه برای این بانک منجر نشده است (قانون بانک مرکزی جمهوری چک هیچ الزامی برای دولت به منظور پوشش زیان‌های بانک ملی چک در نظر نگرفته است). در سال ۱۹۹۷ سود بانک ملی چک به میزان بیش از ۱۰/۷ میلیون کرونا بود و برای پوشش زیان سال ۱۹۹۶ و نیز افزایش وجوه ذخایر این بانک، تخصیص داده شده است. با توجه به این موضوع ضروری است که این سود تخصیص‌یافته پس از اختصاص مبلغ ۳۰/۴ میلیون کرونا (تقریباً ۳ برابر سود خالص ۱۰/۷ میلیون به‌دست‌آمده) به عنوان اندوخته عام و خاص تأمین زیان وام‌های اعطایی در سال ۱۹۹۷ ایجاد شود.^۳

1. Unrealized Losses

2. Czech National Bank

۳. جزئیات مربوط به خالص زیان سال ۱۹۹۶ و ذخیره‌گیری بابت زیان وام سال ۱۹۹۷ در گزارش سالانه بانک ملی چک منعکس شده است و ارقام جدیدتری در این زمینه نیز در وبسایت اینترنتی این بانک در دسترس قرار دارد.

• مجارستان

زیان در حساب‌های بانک مرکزی مجارستان (NBH)^۱ در سال ۱۹۹۶ منعکس‌کننده دو عامل بوده است. نخستین عامل به افزایش هزینه‌های این بانک به پول ملی (فورینت) در ارتباط با بدهی‌های داخلی و عملیات بازرخرد معمول به منظور عقیم‌سازی جریان سرمایه‌های ورودی کوتاه‌مدت و پول خارجی مربوط بوده است. در سال ۱۹۹۶ بانک ملی مجارستان به‌طور مستمر ارز خارجی خریداری نموده و از این طریق انتشار اوراق به فورینت توسط این بانک افزایش یافته است. عامل دوم، نتیجه ایفای نقش بانک ملی مجارستان به عنوان سازمان استقراض‌کننده خارجی برای کشور مجارستان بوده است. در اجرای این نقش، بانک مرکزی مجارستان، زیان‌های قابل توجهی در تجدید ارزیابی دیون ارزی در حساب‌های خود وارد نموده و این ارقام به عنوان مطالبات بدون بهره^۲ از دولت در ترازنامه بانک مرکزی مجارستان ثبت شده است. هرچند فرآیندی برای تبدیل تدریجی این مطالبات به مطالبات با بهره^۳ از دولت وجود داشته است، اما بخش بدون بهره مطالبات بانک مرکزی مجارستان از دولت تقریباً ۳۰ درصد کل دارایی‌های این بانک را در پایان دسامبر سال ۱۹۹۶ تشکیل داده است. عمده بودن مطالبات بدون بهره در ترازنامه بانک مرکزی مجارستان باعث شده است که درآمدهای بانک ملی مجارستان برای پوشش افزایش هزینه‌های بهره داخلی (به‌ویژه ارقامی که مربوط به عملیات عقیم‌سازی بوده است) به مقیاس بالایی محدود باشد.

زیان عملیاتی سال ۱۹۹۶ بانک مرکزی مجارستان از طریق تخصیص بودجه‌ای از جانب دولت پوشش داده شده و این تخصیص به نسبت خالص سود اندکی در حساب‌های این بانک منجر شد که زمینه پرداخت برای توزیع بوده و پرداخت مالیات‌ها را در این سال فراهم نموده است. در سال ۱۹۹۷ اصلاحات قانونی انجام شد که بر اساس آن باقی‌مانده مطالبات ارزی بدون بهره این بانک از دولت به‌عنوان بدهی ارزی خارجی با بهره توسط دولت مورد شناسایی قرار گرفته و توسط دولت تعهد شد.

1. The National Bank of Hungary
 2. Non-Interest-Bearing Claim
 3. Interest-Bearing Claim

این تبدیل زمینه‌ای را فراهم کرد که موقعیت پیشین خالص بدهی ارز خارجی این بانک پوشش داده شود و از آن طریق، احتمال زیان بیشتر بابت تجدید ارزیابی ارز خارجی کاهش یابد.^۱

• کره جنوبی

بانک مرکزی کره جنوبی (BOK) عمدتاً به دلیل خالص درآمدهای منفی بهره‌ای،^۲ بین بهره بالای اوراق قرضه منتشرشده توسط این بانک و بهره پایین دریافتی از محل دارایی‌های ارز خارجی، زیان نسبتاً اندکی را در سال‌های ۱۹۹۳ و ۱۹۹۴ تجربه کرد. این زیان‌ها به‌عنوان رقم منفی در مقابل حساب سرمایه و ذخایر بانک مرکزی کره ثبت شده است، اما به علت کوچک بودن رقم زیان، ارزش ویژه این بانک در آن سال‌ها منفی نشده است. عملیات سودآور سال‌های ۱۹۹۵ و ۱۹۹۶ و در سال‌های بعد نه فقط ارقام منفی (زیان) یادشده را جبران نمود، بلکه دو سوم سود خالص این سال‌ها به حساب دولت منظور شد.^۴

• تایلند

در سال ۱۹۹۷، اداره حسابداری کل بانک مرکزی تایلند (BOT) زیان ارز خارجی قابل‌توجهی در حدود ۱۷۰ میلیارد بات از طریق عملیات بازار و ارزیابی مجدد پایان سال بدهی‌ها و دارایی‌های ارز خارجی در حساب‌های خود ثبت نموده است. زیان‌های عملیاتی بانک مرکزی تایلند عمدتاً به دلیل مشارکت اداره حسابداری کل این بانک در مبادلات ارزی بازار نقد، مبادلات سوآپ ارزی و عملیات ارزی دیگر تا مقطع شناور نمودن بات (یعنی پول ملی این کشور) اتفاق افتاده است. تجدید ارزیابی خالص بدهی‌های ارزی این بانک به نرخ ارز پایان دسامبر سال ۱۹۹۷، به دلیل تضعیف شدید بات

۱. زیان در حساب‌های بانک ملی مجارستان و روش‌های مقابله با آن، به طور کامل در گزارش‌های سالانه سال‌های ۱۹۹۶ و ۱۹۹۷ بانک ملی مجارستان ارائه شده و به طور کامل از طریق وبسایت اینترنتی این بانک در دسترس است.

2. The Bank of Korea

3. Negative Interest Margins

۴. خلاصه داده‌های مربوط به دارایی‌ها، بدهی‌ها، حساب سرمایه و سود و زیان بانک مرکزی کره در وبسایت اینترنتی این بانک قابل دسترس است.

(یعنی پول ملی این کشور) نسبت به ارزش‌های خارجی در ابتدای سال یادشده، مبین رقم زیان قابل توجهی در حساب‌های بانک مرکزی تایلند شد.

از کل زیان ۱۷۰ میلیارد بات، حدود ۱۰۴ میلیارد بات در حساب سود و زیان، شناسایی و ثبت‌شد و میزان ۶۶ میلیارد بات به عنوان زیان‌های محقق‌نشده معوق^۱ در حساب سایر دارایی‌ها در ترازنامه ثبت شد. میزان ۱۰۴ میلیارد بات بدهکارشده در حساب‌های درآمدی، به خالص زیان ۶۸ میلیارد باتی حساب درآمدها منجر شده است. متعاقباً این زیان در حساب سرمایه و ذخایر اداره حسابداری کل این بانک ثبت و به ایجاد خالص ارزش ویژه منفی معادل حدود ۳ درصد کل دارایی‌های اداره حسابداری کل منجر شد. مانده زیان‌های محقق‌نشده معوق یادشده به‌صورت ثبت در ترازنامه این بانک باقی مانده است تا در یک دوره چهار ساله مستهلک شود.

الزامات قانونی مربوط به قانون پول و قانون بانک (مرکزی) تایلند در آن زمان، بانک (مرکزی) تایلند را ملزم به نگهداری حساب‌های جداگانه برای بخش حسابداری کل و بخش اداره نشر اسکناس^۲ نموده است. شواهد نشان می‌دهد که شدت زیان اداره حسابداری کل در حدی بوده که سود اداره نشر اسکناس در سال ۱۹۹۷ قادر به جبران و پوشش آن نبوده است. با این وجود بانک (مرکزی) تایلند در گزارش سالانه خود در سال ۱۹۹۷ به گونه‌ای وانمود کرده است که سودهای اداره نشر اسکناس برای پوشش این زیان‌ها کافی بوده و به این ترتیب الزامات قانونی را نیز به مرحله اجرا گذارده است. متعاقباً در سال ۲۰۰۲ دولت فرمان اضطراری^۳ صادر نموده است که برای یک‌بار، امکان انتقال دارایی‌ها از حساب ذخایر ویژه که بخشی از حساب اداره انتشار اسکناس بوده، برای حذف زیان‌های انباشته یادشده فراهم شود.

1. Deferred Unrealized Losses
2. Issue Department
3. The Emergency Decree

۵. اصول حسابداری برای ثبت زیان بانک‌های مرکزی

بررسی موارد خاص پیش‌گفته، روشن می‌سازد که روش‌های مختلفی برای ثبت زیان بانک‌های مرکزی وجود دارد؛ اما تمام این روش‌ها با استانداردهای حسابداری پذیرفته شده عمومی (GAAP)^۱ برای شناسایی و ثبت زیان بانک‌های مرکزی یا اقدامات توصیه شده صندوق بین‌المللی پول سازگار نیستند. در این زمینه دو مطلب اساسی مرتبط وجود دارد. نخستین مطلب به شناسایی و ثبت زیان واقعی بانک مرکزی مربوط است و موضوع دوم، ثبت دریافت‌های آتی که ناشی از تصمیم در مورد پوشش زیان بانک مرکزی است.

۵-۱. شناسایی زیان بانک مرکزی

ثبت و انعکاس هرگونه زیانی در حساب‌های مالی بانک مرکزی در اولین فرصت پس از شناسایی زیان لازم و ضروری است. تعقیب این اصل برای بانک‌های مرکزی، به اندازه هر سازمان مشابه دیگری، واجد اهمیت است.

استانداردهای حسابداری الزام می‌نماید که تمامی زیان‌های ناشی از عملیات یا کاهش ارزش دارایی مؤسسه به کمتر از هزینه تاریخی، باید ابتدا در صورت درآمدهای مؤسسه مورد شناسایی قرار گیرند. در تأیید این موضوع لازم است گفته شود که چارچوب مفهومی استانداردهای بین‌المللی گزارش‌دهی مالی (IFRS)^۲ اجازه نمی‌دهد که زیان عملیاتی مؤسسات بدون آنکه ثبت شود، به عنوان دارایی در ترازنامه شناسایی شده یا انباشته شود، صرفاً به این دلیل که معیار مناسبی برای شناسایی و ثبت این زیان در ترازنامه وجود ندارد. هرگاه زیانی در صورت درآمد ثبت شود، باید بلافاصله در حساب سرمایه و ذخایر مورد عمل قرار گیرد. اگر زیان انباشتی به منفی شدن ارزش ویژه مؤسسه منجر شود باید این مطلب به نحو مطلوب در حساب سرمایه و ترازنامه نشان داده شود؛ تا زمانی که اقدامی برای پوشش این زیان‌ها از طریق افزایش سرمایه یا بازسازی مالی سازمان اتخاذ شود.

1. Generally Accepted Accounting Practices
2. International Financial Reporting Standards

به‌کارگیری این اصول کلی برای بانک‌های مرکزی در برخی از موارد بالا آشکار است. برای مثال آنجا که زیان مؤسسه موجب بدهکارشدن حساب سرمایه و ذخایر می‌شود یا زمانی که دولت زیان بانک مرکزی را با تخصیص بودجه‌ای یا از طریق ارائه اوراق قرضه به بانک مرکزی پوشش می‌دهد، این عملیات باید به همین صورت در حساب‌ها ثبت شود. تنها زمانی که واقعاً دولت پوشش خود از زیان را از طریق انتشار و ارائه اوراق قرضه (که معادل افزایش سرمایه است) مورد تأیید قرار دهد یا آنجا که قانون بانک مرکزی ضرورت انتشار و ارائه خودکار چنین اوراق قرضه‌ای را لازم دانسته است، دارایی متناظر بانک مرکزی می‌تواند مورد شناسایی واقع شود.

در موارد دیگری که دولت قادر به پوشش زیان‌ها نیست، یا شیوه پوشش زیان و عمل دولت با استانداردهای بین‌المللی در این زمینه تطابق ندارد، نباید روش‌های غیرمتداول به ثبت زیان در دارایی بانک مرکزی منجر شود. این تعریف بیانگر آن است که زیان بانک مرکزی تنها زمانی می‌تواند به عنوان دارایی شناسایی شود که با احتمال بالا این رقم از طریق جریان آتی سودهای اقتصادی مورد پوشش قرار گیرد و مقدار آن به میزان اطمینان بخشی قابل اندازه‌گیری باشد. اگرچه زیان بانک مرکزی می‌تواند به طرز قابل اعتمادی برآورد شود، اما در صورت نبود اقرار رسمی یا نبود اقدام عملی و رسمی توسط دولت در پوشش زیان نمی‌توان این ارقام را در دارایی منظور کرد. در چنین وضعیتی بانک مرکزی دارای کمبود دارایی^۱ است که امید می‌رود با مطالبات آتی از دولت پوشش داده شود. تا آن زمان که مطالبات توسط دولت پذیرفته شود، این زیان بایستی به عنوان جزء منفی حقوق صاحبان سهام منعکس شده باشد.

هر زمان که زیان بانک مرکزی به ارزش ویژه منفی برای بانک مرکزی منجر شود، اقدام توصیه‌شده توسط صندوق بین‌المللی پول آن است که زیان‌ها از طریق انتشار اوراق قرضه دولتی دارای بهره با نرخ بازار پوشش داده شود.

۴-۵. شناسایی دریافتی‌های ناشی از پوشش زیان

استانداردهای حسابداری الزام دارد که هر گونه بهره دریافت شده از بابت اوراق قرضه ارائه شده توسط دولت برای پوشش زیان بانک مرکزی باید به عنوان درآمد مورد شناسایی قرار گرفته و با همین عنوان در حساب درآمدها ثبت شود. درآمدهای بهره‌ای نباید مستقیماً در حساب ترازنامه به عنوان بستانکار یک حساب خاص عمل شود.

هر گاه سودی شناسایی شود، این سود می‌باید در جهت بازخرید یا پرداخت اقساط دارایی‌هایی تخصیص یابد که برای پوشش زیان‌ها ایجاد شده است. از این منظر، یک ویژگی قانون بانک مرکزی در برخی از کشورها این است که به هنگام انتشار و ارائه اوراق قرضه دولتی برای پوشش زیان‌های پیشین بانک مرکزی، سودهای آتی باید در ابتدا به بازخرید چنین اوراق بهاداری اختصاص داده شود. در این ارتباط عمومی‌ترین اصل حسابداری آن است که تمامی پرداخت‌ها و دریافت‌هایی که ماهیت بهره‌ای دارند باید در صورت درآمد، برای تشخیص سود خالص مورد شناسایی و عمل قرار گیرند. هرگونه قصوری در این امر به ایجاد صورت‌های مالی‌ای منجر می‌شود که قابلیت مقایسه با صورت‌های مالی سازمان‌های دیگر را ندارد و از منظر ارائه موقعیت درست مالی و نتایج عملیات بانک مرکزی فاقد شفافیت ارزیابی می‌شود.

۶. اقدامات قانونی برای پوشش زیان بانک‌های مرکزی

الگو و مدل توصیه‌شده توسط صندوق بین‌المللی پول در زمینه قانون بانک مرکزی، شامل الزاماتی برای پوشش زیان بانک‌های مرکزی از طریق دو راهبرد و ویژگی اصلی است. این دو ویژگی در قوانین بانک مرکزی بسیاری از کشورها مشاهده می‌شود.

نخستین ویژگی، ضرورت نگهداری ذخایر عمومی و سایر ذخایر در حساب‌های بانک مرکزی است که برای پوشش زیان‌های بالقوه و ریسک‌های دیگر پیش روی بانک‌های مرکزی توصیه شده است. این الزام در جهت استقرار سلامت مالی عمومی بانک مرکزی عمل می‌کند. سطح ذخایر می‌تواند به صورت ضریبی از سرمایه و یا مشابه بسیاری از موارد اخیر، به صورت درصدی از بدهی‌های پولی بانک مرکزی تعیین شود.

ویژگی دوم در موقعیت‌هایی به کار می‌رود که خالص ارزش ویژه بانک مرکزی منفی باشد. این وضعیت زمانی رخ می‌دهد که به علت زیان تجدید ارزیابی، ارزش دارایی‌های بانک مرکزی به سطحی پایین‌تر از سطح بدهی‌ها و سرمایه کاهش ارزش نیافته^۱ آن تقلیل یافته باشد. در این وضعیت، قانون دولت را ملتزم به انتشار و ارائه اوراق قرضه با نرخ‌های بهره بازار به بانک مرکزی می‌نماید. این اقدام سلامت مالی و توان عملیاتی بانک مرکزی^۲ را تضمین می‌کند. علاوه بر آن، الزام به پرداخت بهره بازار روی اوراق قرضه نیز تضمینی در این جهت است که درآمدهای بانک مرکزی هزینه‌های عملیاتی معمول و متداول آن را پوشش داده و تا حدودی زمینه مانور برای پوشش زیان‌های عملیاتی آتی بانک مرکزی را فراهم نماید.

1. Unimpaired Capital
2. The Solvency of A Central Bank

منابع

- Enoch, Charles. (1998). Transparency in Central Bank Operations in the Foreign Exchange Market. IMF Paper on Policy Analysis and Assessment No. PPAA/98/2. (International Monetary Fund, Washington D.C.).
- Financial statements and annual reports of the following central banks: Banco Central do Brazil, Banco Central de Chile, Czech National Bank, National Bank of Hungary, Bank of Korea, Bank of Thailand.
- Fry, Maxwell. J. (1993). The Fiscal Abuse of Central Banks. IMF Working Paper No. WP/93/58, (International Monetary Fund, Washington D.C.).
- International Accounting Standards Committee. (1999). International Accounting Standards (London).
- Leone, Alfredo. (1993). Institutional and Operational Aspects of Central Bank Losses. IMF Paper on Policy Analysis and Assessment 93/14, September, (International Monetary Fund, Washington D.C.).
- Lybek, Tonny. (1999). Central Bank Autonomy and Accountability. IMF Working Paper No. WP/99/4, (International Monetary Fund, Washington, D.C.).
- Stella, Peter. (1997). Do Central Banks Need Capital? IMF Working Paper No. WP/97/83, International Monetary Fund, Washington D.C.